

دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۵-۲۴

حق بر آموزش با رویکردی بر بازماندگی از تحصیل:

مطالعه موردی؛ محله انجیراب گرگان

مریم رائیجی^۱

یونس پیری^۲

چکیده

نوشتار حاضر با هدف بررسی حق بر آموزش در بین دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل است که به صورت موردی و توصیفی دلایل بازماندگی از تحصیل در نظام آموزش ایران و محله دفتر تسهیلگری و توسعه محلی انجیراب و افسران گرگان را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف پژوهشگر این است که توجه عموم و متولیان را به یک شکل اجتماعی که با شدت فزاینده‌ای در هر سال رخ می‌دهد، جلب کند و حق بر آموزش و پرورش رایگان که قانون اساسی و قوانین دیگر بدان تصریح نموده‌اند را به مسوولان گوشزد نماید. مشکل بازماندگی از تحصیل به ویژه در مناطق حاشیه نشین در حال رشد است. در جهت شناسایی و رفع این مشکل، استفاده از توان حمایتی همه دستگاهها برای جلوگیری از بازماندن کودکان از تحصیل و فراهم نمودن زمینه حضور آنها در مدارس نیاز است. این مطالعه به دو بخش تقسیم می‌شود، در بخش اول کلیات بحث در مورد حق بر آموزش در قوانین موضوعه ایران بررسی می‌شود و در بخش دوم بخشی از اطلاعات مرتبط با بازماندگی از تحصیل که مربوط به تمام‌شماری دفتر تسهیلگری و توسعه محلی انجیراب و افسران گرگان (۱۳۹۸) است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در محله انجیراب ۱۶/۹ درصد در مجموع علت عدم ادامه تحصیل خود را دسترسی مشکل به مدرسه، ۳۶/۰ درصد ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها، ۸/۰ درصد شاغل بودن جهت کمک به خانواده، ۳۶/۰ درصد عدم علاقه به تحصیل و ۳/۱ درصد معلولیت جسمی اظهار نموده‌اند.

واژگان کلیدی: حق، آموزش، بازماندگی از تحصیل، قوانین، زیرساخت‌های آموزشی.

^۱- کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

^۲- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی.

مقدمه

آموزش و تحصیلات یکی از جنبه‌های مهم تغییرات جمعیتی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی برای هر جامعه‌ای است که آینده اقتصادی و رفاه اجتماعی همه افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بی‌هیچ شکی برخورداری از تحصیل و آموزش در دنیای امروز حق هر انسانی است. حق آموزش رایگان و همگانی از جمله حقوق شهروندان است که در زمره حقوق بنیادین بشر قرار دارد و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این حق تأکید دارد. این اصل به جهت اهمیت بسیار والای آن در قانون اساسی کشورهای گوناگونی از جمله کشور ما نیز گنجانده شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای آموزه‌ها و تعالیم دین مبین اسلام و همسویی با توافقات بین‌المللی به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که دولت ایران از طریق مرجع قانونگذاری اجازه الحاق به میثاق مذکور را یافته است، حق آموزش رایگان و همگانی را برای شهروندان به رسمیت می‌شناسد.

امروزه نقش آموزش و پرورش و کارکردهای گوناگون آن در سرتاسر دنیا و به خصوص کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت بوده و از معیارهای مهم برای رسیدن به توسعه پایدار در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی؛ دسترسی آسان و مستقیم به مدرسه و نظام آموزشی رایگان است. فراهم کردن فرصت‌های برابر آموزشی برای همه آحاد جامعه و تامین زیرساخت‌ها و دسترسی به امکانات آموزشی در دوره‌های ابتدایی نمایانگری از آرمان‌های انسان‌گرایانه و عدالت‌خواهانه است که وجه شاخص جوامع توسعه‌یافته در نظر گرفته می‌شود. آموزش و پرورش یک «نهاد اساسی اجتماعی است که با ارائه الگوهای رفتاری بادوام، پیچیده، منظم و جامع، بر رفتار جامعه نظارت و کنترل دارد. در واقع این نهاد، از ابزارهای مهم برای تحقق مقاصد و اهداف اجتماعی است» (همدانی، ۱۳۹۰: ۳۹).

بر اساس قانون اساسی، آموزش همگانی باید به طور عمومی، اجباری و رایگان کودکان را تحت پوشش قرار دهد و دولت در حکم مجری این قانون، موظف است امکانات و اعتبارات لازم را در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دهد، به گونه‌ای که هیچ یک از افراد به دلیل فقر مادی یا محرومیت منطقه‌ای از تحصیلات همگانی بی بهره نمانند. با وجود تحقیقات بسیاری که مسئولان آموزش و پرورش در سالیان گذشته برای تعمیم بخشیدن به آموزش همگانی انجام داده‌اند، بنا به دلایلی مانند نداشتن برنامه‌ریزی جامع و مناسب، کمبود اعتبارات و کاستی‌هایی در زمینه آماده‌سازی معلمان و سایر امکانات آموزشی، گروه کثیری نتوانسته‌اند تحت پوشش کامل آموزش همگانی قرار گیرند (آقازاده، ۱۳۸۸).

انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیر شدن افراد، گزینش و تخصیص نیروی انسانی، نظارت اجتماعی، یگانگی اجتماعی، نوآوری و تغییر، پرورش و رشد شخصیتی، سرمایه‌گذاری انسانی و پرورش سیاسی افراد (همدانی، ۱۳۹۰: ۴۱) از کارکردهای اساسی نظام آموزش و پرورش همگانی به شمار می‌رود و هر گونه نقص و کمبود در این سیستم و یا قطع شدن ارتباط کودکان و نوجوانان با سیستم آموزشی اثرات جبران‌ناپذیری بر پیکره اجتماعی و فرهنگی جامعه بر جای می‌گذارد. در

حال حاضر با مشکل اساسی به نام بازماندگی از تحصیل مواجهیم که همه روزه به حجم آسیب‌هایی که در آینده بر جامعه و بنیان خانواده وارد می‌کند، افزوده می‌شود.

نکته قابل توجه در مقطع کنونی که بر فضا و سیستم آموزش در مدارس سایه افکنده، غالب شدن شکاف فناوری است. اینکه جامعه در حال توسعه ایران با شکافی گسترده در زمینه دسترسی برابر به فناوری‌های آموزشی برای همگان و به خصوص اقشار ضعیف و کم‌تر برخوردار مواجه است، بر کسی پوشیده نیست. همین مورد در دوران کرونا و آموزش مجازی سبب شده تا تعداد کثیری از دانش‌آموزان در حال تحصیل به دلیل عدم توانایی مالی برای تهیه تلفن هوشمند و تبلت، مجبور به انصراف از تحصیل و ورود به دنیای کودکان کار و آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. در وهله اول حق آموزش و سپس رشد و توسعه زیرساخت‌های آموزشی در چنین اوضاع و شرایطی می‌تواند شکاف‌های به‌وجودآمده بین خانواده‌ها و نظام آموزش و پرورش را پر کند و از بی‌سوادی توده‌ای که مردمان مناطق توسعه نیافته با آن دست به گریبانند، جلوگیری کند.

هدف نوشتار حاضر بررسی حق آموزش با رویکرد بازماندگی از تحصیل است. جایگاه آموزش در قانون اساسی ایران و قوانین موضوعه دیگر، اهمیت آن برای جامعه و موانع آن مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت به صورت توصیفی به وضعیت بازماندگی از تحصیل در منطقه انجیراب^۱ شهرستان گرگان و دلایل این بازماندگی پرداخته می‌شود.

۱- حق آموزش و پرورش

حق قدرت ارادی است که قانون در اختیار شخص قرار داده است و از این طریق، مصلحت معینی را ایجاد می‌کند. آموزش به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن، یک گروه انسانی به نسل‌هایش، دانش، مهارت و قواعد اخلاقی که آن گروه را قادر به زیستن می‌نماید، منتقل می‌کند.

حق آموزش از جمله حقوق بشر است و در زمره حقوق اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. شاخص‌های این حق عبارت‌اند از: آزادی آموزش، آموزش در سطوح بالاتر، مسئولیت فراهم‌آوری آموزش در سطوح مبنایی برای کسانی که آموزش ابتدایی را به صورت کامل نگذرانده‌اند، جلوگیری از تبعیض در امر آموزش، آموزش ابتدایی اجباری برای همگان، توسعه آموزش‌های فرعی و الزام به توسعه دسترسی مساوی به امکانات آموزشی. این موارد حداقل‌هایی است که باید در یک نظام آموزشی موجود باشد.

این حق دارای ویژگی‌هایی است:

این حق اجباری می‌باشد؛ بدین صورت که حق آموزش و پرورش ایجاب می‌کند که والدین فرزندان خود را از سنین معین و برای مدت مشخص به مدرسه بپارند.

۱- دفتر تسهیلگری و توسعه محلی انجیراب و افسران گرگان

این حق رایگان است؛ رایگان بودن آموزش و حق اعضای جامعه در برخورداری از امکانات آموزشی این تکلیف را برای دولت به همراه دارد که آموزشی مناسب، باکیفیت و رایگان برای اعضای جامعه ارائه دهد.

آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت در معنای کلی دلالت دارد بر پرورش، تعلیم فکری و اخلاقی، رشد شخصیت و توانایی‌های ذهنی کودک، نوجوان و جوان به خصوص از راه تأمین آموزش منظم (گولد کولب، ۱۳۸۴). به عبارت دیگر، آموزش و پرورش عبارت است از جریانی نظام‌مند و هدف‌دار به منظور تربیت و رشد استعدادها برای رسیدن به کمال مطلوب (حسینی نسب و علی‌اقدام، ۱۳۷۵). در معنای محدودتر، آموزش و پرورش به هر نوع آموزش و پرورشی اطلاق می‌شود که به صورت قراردادی و به شیوه‌های منظم، منطقی و از روی برنامه ارائه شود. این نوع آموزش و پرورش با ورود به مدارس یا مؤسسات آموزشی آغاز و با طی سطوح و مراحل متفاوت آن ادامه می‌یابد (علاقه‌بند، ۱۳۹۳).

۲- قوانین جمهوری اسلامی ایران ناظر بر حق بر آموزش

در ایران، در قانون اساسی، برداشت در خور تمجیدی از موضع ایران نسبت به حق بر آموزش و پرورش به دست می‌دهد. اصل سوم قانون اساسی مقرر داشته: "برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی و تقویت روح بررسی و ابتکار در همه زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان". اصل ۳۰ قانون اساسی از اصول مهم در زمینه آموزش است. اصل ۳۰ قانون اساسی بیان می‌کند: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. با توجه به اصول قانون اساسی ناظر بر حق بر آموزش درمی‌یابیم که این اصول فراگیر، راه را بر هرگونه توجیه تبعیض آمیز مسدود کرده است. بر اساس این اصول، هیچ محدودیت قانونی برای آموزش از نظر جنس، نوع علم و ... وجود ندارد و با توجه به این اصول، آموزش از نیازهای اساسی انسان است و دولت باید همه امکانات خود را در جهت آموزش رایگان به کار برد. همین طور، این اصول اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کنند. این اهداف عبارتند از:

۱- مساله برخورداری از آموزش نباید با عدم استطاعت مالی فرد برخورد داشته باشد تا همه افراد به طور عادلانه قادر به ادامه تحصیل باشند؛

۲- از طریق تأسیس مدارس خصوصی یا دانشگاه‌های غیردولتی و جذب معلمان در این مدارس و دانشگاه‌ها، ترجیحا ثروتمندان پرورش داده نشوند زیرا این روند مغایر با اصل تساوی در برخورداری از حقوق برای همه افراد ملت و عدالت اجتماعی است؛

۳- ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی با توجه به دیباچه قانون اساسی که به ستم‌هایی که در نظام طاغوتی به زنان رفته اشاره می‌کند (کازرونی، ۱۳۹۶: ۱۵).

در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی تدوین قانون اساسی، این اصل به عنوان حق ملت در نظر گرفته شده است. در نظام حقوقی ایران بر اساس سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، یکی از ویژگی های عام تربیت رسمی و عمومی، قانون مندی است. بر اساس این ویژگی، دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد است که تربیت رسمی و عمومی کشور را با کیفیت مطلوب و کامل برای آحاد جامعه محقق کند. از جمله قوانین عادی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه آموزش و پرورش به تصویب رسید، اساسنامه نهضت سواد آموزی جمهوری اسلامی است که در تاریخ ۳۰/۳/۱۳۶۳ به تصویب رسیده است. ماده ۱ این قانون بیان می کند: "نهضت سواد آموزی سازمانی است وابسته به وزارت آموزش و پرورش که به منظور ریشه کن ساختن بی سوادی با توجه به ماده ۸ انجام وظیفه می نماید".

همانطور که در ماده ۱ این اساسنامه تصریح شده است، هدف اصلی از ایجاد این نهاد از بین بردن بیسوادی است. ماده ۴ این قانون وظایف این سازمان را احصا می کند که از جمله آن آموزش بزرگسالان در حد خواندن و نوشتن و آموختن حساب است. تبصره ۱ ماده این قانون ارگان های دولتی و نهادهای انقلابی را موظف می کند که کلیه امکانات خود را در صورتی که وقفه ای در وظایف ایشان وارد نیاید، در اختیار نهضت قرار دهند و نهضت هم موظف است از همه امکانات استفاده کند.

از دیگر قوانین، قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۶۸ است. ماده ۵ این قانون بیان می کند: "برخورداری از آموزش های عمومی برای کلیه دانش آموزان کشور باید به گونه ای باشد که برحسب استعداد و جنس بتوانند از تعلیمات مناسب جهت شکوفایی خلاقیت ها بهره مند شوند". این ماده اشاره صریحی به بحث جنسیت در امر آموزش دارد و در واقع آزادی آموزش را فارغ از جنسیت می پذیرد. اگرچه قبل از آن در قانون اساسی و بر اساس اصل ۱۵ همه ملت اعم از زن و مرد از حقوق یکسان برخوردارند و رنگ، نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نیست. ماده ۷ این قانون بیان می دارد: "به منظور تعمیم و توسعه آموزش و پرورش کشور، زمینه های جلب مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش از هر طریق ممکن فراهم آید.

تبصره این ماده بیان می دارد: وزارت مکلف است به اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای صلاحیت های علمی و اخلاقی بوده و متقاضی تأسیس مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه با هزینه خود و همیاری مردم و اولیا دانش آموزان باشند و متعهد شوند که در چارچوب سیاست ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران فعالیت نمایند، مجوزهای لازم را اعطا کنند". در واقع تبصره مذکور آزادی تأسیس مدارس خصوصی را به رسمیت می شناسد. به طور کلی درباره قانون مذکور می توان گفت این قانون یک قانون سازمان دهنده است و در جهت تحقق اصولی از قانون اساسی است که به آموزش و پرورش اهتمام داشته است.

منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیگر اسناد موجود داخلی در زمینه حق بر آموزش و پرورش می باشد. در راستای تحقق اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم انداز

جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است زمینه های تبیین و تحقق علمی حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳۱ / ۳ / ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی را فراهم نماید.

قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی (مصوب ۱۳۵۳) نیز مفصل ترین قانون در زمینه حقوق تحصیلی اطفال است. بر اساس ماده ۲ این قانون، در هر محل که موجبات تحصیل مراحل تعلیمات ابتدایی و راهنمایی که اجباری و مجانی است، فراهم و اعلام شده باشد، پدر یا مادری که وظیفه نگهداری و تربیت کودک بر عهده اوست، وظیفه دارد درباره ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل کودک تحت سرپرستی خود اقدام کند و در صورتی که از انجام این وظیفه خودداری نماید، وزارت آموزش و پرورش بر مبنای آمار ارسالی اداره کل ثبت احوال نسبت به ثبت نام کودک واجد شرایط تحصیل اقدام خواهد کرد. ماده ۳ آن نیز حمایت از حق آموزش در مراحل بالاتر از مقطع راهنمایی را وظیفه والدین قلمداد کرده و ماده ۴ به ضمانت اجرای آن اشاره نموده است. از نکات جالب در این قانون موظف کردن والدین به ثبت نام و فراهم کردن زمینه تحصیل کودک خود است که در صورت امتناع آنها، آموزش و پرورش می تواند از طریق اداره ثبت احوال نسبت به شناسایی افراد بازمانده از تحصیل اقدام و سپس موضوع را از مجاری قانونی تعقیب کند.

کشور ما در سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد و در سال ۱۳۸۰ اصلاحیه آن را نیز قبول کرد. موضوع وجوب آموزش در این کنوانسیون از اصول حتمی است. در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تصویب شد که در ماده ۴ آن ممانعت از تحصیل کودکان با مجازات سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی مواجه بود. در آخرین ماده همین قانون مقرر شده است اگر به موجب قانون دیگری مجازات شدیدتر مقرر باشد، مجازات اشد اجرا خواهد شد؛ یعنی به هر حال این مسأله مطرح است که عدم اقدام والدین دارای تمکن مالی به ایجاد موجبات ادامه تحصیل فرزندشان با حداکثر سه سال حبس قابل مجازات باشد نه شش ماه.

ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: "در صورتی که بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل، طفل یا نوجوان را در معرض بزه دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می شود".

از مجموع قوانین داخلی درباره آموزش و پرورش این نتیجه حاصل می آید که علاوه بر توجه قانونگذار اساسی به این مسئله، قانونگذار عادی نیز توجه خاصی را به این موضوع داشته است. معیارهایی که برای دو مفهوم حق و آزادی آموزش بیان شد در این قوانین به خوبی گنجانده شده است.

در سطح بین المللی نیز حق برخورداری از آموزش در طول دهه بارها مورد تأکید قرار گرفته است. در اصل ۷ اعلامیه جهانی حقوق کودک، ضمن تأکید بر حق کودک در برخورداری از آموزش، مسئولیت آموزش کودک در درجه اول بر عهده والدین وی نهاده شده است. بند اول ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک نیز بر پرورش ذهنی کودک تأکید کرده

است و در بند دوم به مسئولیت والدین در فراهم کردن شرایط آموزش و زندگی مناسب، متناسب با توانایی ها و امکاناتشان تصریح شده است؛ هرچند دولت ها نیز بر اساس کنوانسیون مذکور، مکلف به یاری والدین و ایجاد فرصت در امر آموزش کودکان هستند. همچنین به استناد بند ۲ حقوق بشر اسلامی می توان یکی از تکالیف والدین را آموزش فرزندشان دانست.

۳- بازماندگی از تحصیل و نقش دستگاههای متولی در کاهش این معضل

قوانین عمدتاً با تأکید بر نقش بازدارندگی خانواده ها تدوین شده و تدابیری برای مجازات و جریمه والدین کودکان بازمانده از تحصیل در نظر گرفته شده است. پرسش این است که تا چه اندازه بر وظایف و مسئولیت های نظام آموزشی و الزام بر نقش تسهیلگری آن تأکید شده است. قصور خانواده ها پدیدآورنده بازماندگی است یا ضعف و کوتاهی نظام آموزشی. قوانین و نظارت ها باید بیشتر معطوف به کدام یک تنظیم شوند. (مرکز پژوهش های شورای اسلامی، ۱۳۹۷: ۳).

گروه جمعیتی ۶ تا ۱۸ سال در کشور بر اساس برنامه های آموزش و پرورش باید در ایام تحصیل در چرخه آموزش حضور داشته باشند و از آموزش های ارایه شده در مدارس بهره مند شوند و افرادی که به هر دلیلی در این گروه سنی وارد مدرسه نشوند و یا از مدرسه ترک تحصیل کنند و در ماه های تحصیل خارج از محیط آموزشی باشند، دانش آموزان بازمانده از تحصیل محسوب می شوند. به تعبیری دیگر کودکان بازمانده از تحصیل، آن گروه سنی از جمعیت هستند که در سنین مدرسه قرار دارند، ولی در ماه های تحصیلی در چرخه آموزشی کشور حضور ندارند؛ یعنی در زمان ساعات کار مدارس، خارج از مدارس هستند و به هر دلیل یا اساساً وارد چرخه آموزش نشده اند یا پس از مدتی کوتاه از آن خارج شده اند (همان، ۱۰).

تحصیل و سوادآموزی به خودی خود تنها بخشی از حقوقی است که بازماندگان از تحصیل از آن محروم می شوند. واقعیت این است که سواد در سطوح مختلف زندگی روزمره افراد، شغل، آگاهی نسبت به شرایط، بزهکاری، زندگی خانوادگی، سبک زندگی و سرمایه فرهنگی و اجتماعی به قدری مؤثر است که ریشه کنی بیسوادی گاهی مستقیماً منجر به کاهش مرگ و میر، بیماری، بزهکاری و خشونت های خانوادگی و اجتماعی می شود. از این رو جوامع گوناگون نسبت به امر سوادآموزی حساسیت نشان می دهند و در پی یافتن راه چاره برای کاهش بازماندگان از تحصیل هستند. بر اساس قانون، آموزش همگانی باید به طور عمومی، اجباری و رایگان کودکان را تحت پوشش قرار دهد و دولت در حکم مجری این قانون، موظف است امکانات و اعتبارات لازم را در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دهد، به گونه ای که هیچ یک از افراد به دلیل فقر مادی یا محرومیت منطقه ای از تحصیلات همگانی بی بهره نماند. با وجود تحقیقات بسیاری که مسئولان آموزش و پرورش در سالیان گذشته برای تعمیم بخشیدن به آموزش همگانی انجام داده اند، بنا به دلایلی مانند نداشتن برنامه ریزی جامع و مناسب، کمبود اعتبارات و کاستی هایی در زمینه آماده سازی معلمان و سایر

امکانات آموزشی، گروه کثیری نتوانسته اند تحت پوشش کامل آموزش همگانی قرار گیرند (تورانی، عارف نژاد، ۱۳۹۶: ۳۲).

برای جلوگیری از بازماندن کودکان از تحصیل و جلوگیری از بروز مشکلات اجتماعی در جامعه و حضور دانش آموزان در محیط های آموزشی و تربیت نیروی انسانی کارآمد برای جامعه باید با بهره گیری از ظرفیت سایر دستگاه های اجرایی در کنار آموزش و پرورش زمینه حضور بچه ها در مدارس و محیط های آموزشی فراهم شود.

آموزش و پرورش به عنوان گسترده ترین دستگاه فرهنگی کشور و مهم ترین نهاد اجتماعی، نقش تعیین کننده در آموزش جامعه پذیری و اجتماعی کردن افراد برعهده دارد و بر اساس قوانین جاری کشور باید خدمات آموزشی و پرورشی برای همه در این نهاد اجتماعی یکسان و عادلانه باشد.

کودکان واجب التعلیم ممکن است به دلایل نواقص جسمی و ذهنی از تحصیل بازمانند که این افراد می توانند در نظام آموزش و پرورش استثنایی کسب علم و مهارت کنند و نقش خانواده و والدین برای استمرار آموزش کودک و تلاش برای پیشگیری از بازماندن از تحصیل برجسته است.

برای جلوگیری از بازماندن بچه ها از تحصیل نیاز است با استفاده از توان همه دستگاه ها و شناسایی دانش آموزان بازمانده از تحصیل زمینه حضور آنان در مدارس فراهم شود. بهزیستی نیز در راستای بازگشت کودکان بازمانده از تحصیل به چرخه آموزش نقش پررنگی دارد.

سازمان ثبت احوال کشور باید با همکاری سایر نهادهای مربوط و با در نظر گرفتن اقامتگاه اشخاص و تغییرات آن، هر سال حداقل سه ماه پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، اسامی و نشانی اطفال و نوجوانان ایرانی و غیرایرانی را که به سن قانونی تحصیل رسیده اند، به آموزش و پرورش اعلام کند. همچنین وزارت آموزش و پرورش مکلف است، موارد عدم ثبت نام و مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه را به سازمان بهزیستی یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه اعلام کند و اقدامات لازم را جهت ثبت نام و حمایت تحصیلی کامل از اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه انجام دهد. علاوه بر این، در صورت عدم تمکن والدین و سرپرستان قانونی، به تشخیص دادستان، وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی مکلف اند امکانات لازم را برای تحصیل اطفال و نوجوانان فراهم کنند؛ مضاف بر این، هرگونه تشویق کودک یا نوجوان به ترک تحصیل یا فرار از مدرسه نیز جرم انگاری شده و هر فردی که با هر ابزاری کودک یا نوجوانی را به ترک تحصیل تشویق و ترغیب یا حتی تهدید کند، مجازات خواهد داشت.

سازمان نهضت سوادآموزی به عنوان نهاد متولی حوزه سوادآموزی مکلف است اطلاعات اسمی، مشخصات و نشانی افراد بی سواد کشور را در پایگاه اطلاعات اسمی بی سوادان به ثبت برساند. وزارت آموزش و پرورش با همکاری وزارت کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال کشور، سازمان های مردم نهاد

و موسسات غیردولتی مکلف به شناسایی و جذب کودکان بازمانده از تحصیل هستند (مرکز پژوهش های شورای اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۰).

ساماندهی حاشیه نشینان یکی از راهکارهای کاهش معضلات اجتماعی است و فقدان امکانات در حاشیه نشینی ها به رشد آسیب های اجتماعی دامن می زند که بازماندگی از تحصیل مولود این آسیب ها محسوب می شود. حداقل امکانات رفاه عمومی در حاشیه نشینی ها باید فراهم شود تا تبعات زندگی به سبک حاشیه نشینی به حداقل برسد. با این همه بازماندگی از تحصیل در ایران به شدن رو به افزایش است. از نقایص آمارهای ارائه شده درباره بازماندگی از تحصیل آن است که کودکان فاقد اسناد هویتی (فاقد شناسنامه) معمولاً در آمارها محاسبه نمی شوند. کودکان فاقد شناسنامه به دلایل مختلفی از جمله داشتن اولیای غیرایرانی یا مشکلات والدین (اعتیاد و فقر) از تحصیل محروم می مانند. علاوه بر تشتت آمارها، در حوزه قوانین و سیاست های مربوط به آموزش و سوادآموزی نیز با طیف پرتعدادی از اسناد قانونی مواجهیم، به نظر می رسد قوانین و سیاست ها بیشتر بر مسوولیت خانواده ها در خصوص فرستادن کودکان به مدرسه تاکید دارند تا مسوولیت نظام آموزشی.

در نگاه سیاستمداران و قانونگذاران امتناع آگاهانه والدین علت اصلی و عمده بازماندگی از تحصیل کودکان است و از همین رو اغلب قوانین در راستای مکلف کردن والدین به فرستادن کودکان به مدرسه و جرم انگاری در این خصوص هستند. به نظر می رسد بر اساس شواهد سهم ناچیزی از علل بازماندگی از تحصیل مربوط به والدین است و فقر و عدم دسترسی به امکانات آموزش سهم عمده ای در این باره دارد.

تاکنون تمرکز سیاست گذاران عمدتاً بر کودکان بازمانده از تحصیل و مهار و کنترل و کاهش تعداد آنها بوده است در حالی که یک تحول اساسی در سیاست ها باید صورت گیرد و آن اینکه سیاست گذاران و قانون نویسان باید نگاه خود را به سمت طراحی برنامه ها و سیاست هایی برگردانند تا اساساً بازماندگی از تحصیل ایجاد نشود و هیچ کودکی را از درس باز نماند و درس و مدرسه را برای همه کودکان دسترس پذیر شود. دولت نیز بر اساس قانون مکلف شده وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه مردم جامعه تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را نیز تا حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

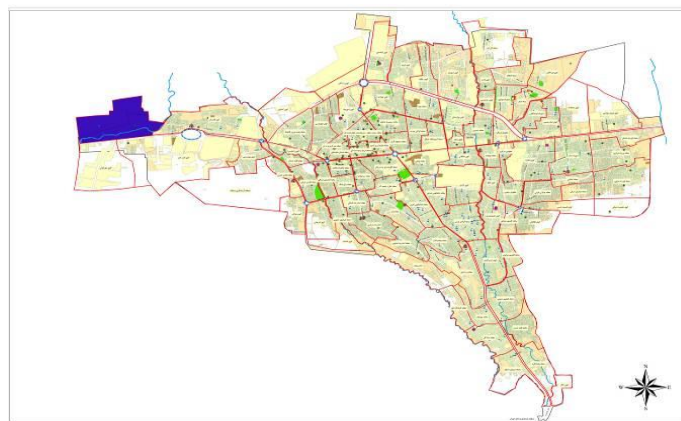
وظیفه دولت در فراهم کردن وسایل لازم برای تحصیل فرزندان آن دسته از خانواده هایی که تمکن مالی ندارند و همچنین تعیین مجازات برای والدین یا سرپرستان قانونی کودکانی که با داشتن امکانات مالی از تحصیل آنان جلوگیری کند، از مواردی است که مورد توجه این قانون قرار گرفته است. علاوه بر موارد گفته شده قانونگذار در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان برای کسانی که از تحصیل کودکانشان ممانعت به عمل می آورند مجازات تعیین کرده است. ممانعت از تحصیل فرزند و عدم تهیه وسایل مورد نیاز آن، نیز جرم است و جرمی است که به وسیله والدین ممکن است رخ دهد و از توابع جرایم ناشی از حق حضانت می باشد. زیرا هر کودکی حق تحصیل دارد و این وظیفه والدین است که جهت تحصیل کودک وسایل و مقدمات را آماده نمایند.

فرآیند توسعه و پیشرفت برای جوامع در حال توسعه، زمانی میسر و امکان پذیر خواهد شد که زیرساخت و بسترهای مناسب فرهنگی و اجتماعی مهیا و فراهم شده باشد و بی شک آموزش همگانی از طریق مدرسه، یکی از رکن های اساسی توسعه در نظر گرفته می شود. لذا تمرکز سیاست های آموزشی در حوزه بازماندگی از تحصیل و کودکان بازمانده از تحصیل که دو مبحث متفاوت است، بیشتر به کودکان بازمانده از تحصیل؛ کنترل و مهار آن مربوط است، بنابراین، این دیدگاه نیازمند تغییر بوده و سیاست ها و راهکارهای عملی می طلبد، تا اساسا بازماندگی از تحصیل شکل نگیرد و کودکی از کلاس و درس بازماند.

۴- بازماندگی از تحصیل: مطالعه موردی؛ محله انجیراب گرگان

داده های مربوطه در این بخش، از تمام شماری دفتر تسهیلگری و توسعه محلی انجیراب و افسران (۱۳۹۸) شهرستان گرگان به دست آمده است. محله انجیراب گرگان در منتهی اله غربی گرگان قرار داشته و بیش از نیمی از مساحت آن خارج از محدوده قانونی شهر قرار دارد.

نقشه شماره ۱-۱: موقعیت محله انجیراب در شهر گرگان



۴-۱ ویژگی های عمومی جمعیت محله

۴-۱-۱- جمعیت

با توجه به محدوده عملیاتی محله انجیراب که تمام شماری در آن صورت گرفته است، جمعیت محله انجیراب ۴۷۰۴ نفر است. از این تعداد، ۲۱۲۷ نفر مرد و ۲۱۷۹ نفر زن هستند و بنابراین نسبت جنسی محله انجیراب ۹۷/۶ محاسبه می شود.

برخی از ویژگی های جمعیتی محله انجیراب در جدول زیر آمده است. توضیحات مختصری در خصوص نرخ باسوادی، مدرک تحصیلی در جداول زیر مشاهده می شود.

در جدول شماره ۳-۱، نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر محله انجیراب ۲۹۲۰ نفر به دست آمده است که تعداد ۱۵۱۵ نفر معادل (۵۱/۹) درصد از آنها مرد و ۱۴۰۵ نفر معادل (۴۸/۱) درصد زن می باشند. با مقایسه تعداد جمعیت باسواد در دو گروه مردان و زنان می توان اذعان نمود که جمعیت مردان باسواد بیش از جمعیت زنان باسواد است.

جدول شماره ۳-۱: تعداد باسوادان و نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر محله انجیراب به تفکیک جنس، در سال ۱۳۹۸

محلّه	تعداد			درصد		
	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد
انجیراب	۲۹۲۰	۱۴۰۵	۱۵۱۵	۱۰۰	۴۸/۱	۵۱/۹

مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیلگری و توسعه محلی ۱۳۹۸

۴-۱-۲- مدرک تحصیلی

نتایج جدول شماره ۳-۲، تعداد و درصد جمعیت باسواد محله انجیراب را بر حسب آخرین مدرک تحصیلی نمایش می دهد. بر این اساس همچنان که ملاحظه می شود از مجموع ۲۸۲۳ نفر تعداد ۱۳۶۵ نفر معادل (۴۸/۴) درصد آخرین مدرک تحصیلی خود را ابتدایی، پایان ابتدایی و سوادآموزی عنوان نموده اند که در این میان تعداد ۶۶۸ نفر از آنها معادل (۵۱/۱) درصد از آنها مرد و ۶۹۷ نفر معادل (۴۸/۹) درصد زن می باشند؛ تعداد ۵۹۹ نفر معادل (۲۱/۲) درصد نیز آخرین مدرک تحصیلی خود را سیکل اول، راهنمایی، پایان راهنمایی و متوسطه اول اعلام کرده اند که از میان آنها تعداد ۳۲۰ نفر معادل (۵۳/۴) درصد مرد و تعداد ۲۷۹ نفر معادل (۴۶/۶) درصد زن هستند؛ تعداد ۳۳۰ نفر معادل (۱۱/۷) درصد آخرین مدرک تحصیلی خود را سیکل دوم، متوسطه، متوسطه دوم و فاقد مدرک دیپلم اعلام کرده اند که تعداد ۱۷۹ نفر معادل (۵۴/۲) درصد مرد و ۱۵۱ نفر معادل (۴۵/۸) درصد زن می باشند؛ تعداد ۳۹۴ نفر معادل (۱۴/۰) درصد آخرین مدرک تحصیلی خود را دیپلم و پیش دانشگاهی عنوان نموده اند که تعداد ۲۳۷ نفر معادل (۶۰/۲) درصد مرد و تعداد ۱۵۷ نفر معادل (۳۹/۸) درصد زن هستند؛ تعداد ۱۳۰ نفر معادل (۴/۶) درصد آخرین مدرک تحصیلی خود را تحصیلات عالی اعلام نموده اند که از میان آنها تعداد ۵۷ نفر معادل (۴۳/۸) درصد مرد و تعداد ۷۳ نفر معادل (۵۶/۲) درصد زن می باشند؛ و در آخر نیز تنها ۱ نفر از مردان نیز آخرین مدرک تحصیلی خود را تحصیلات حوزوی اعلام کرده است.

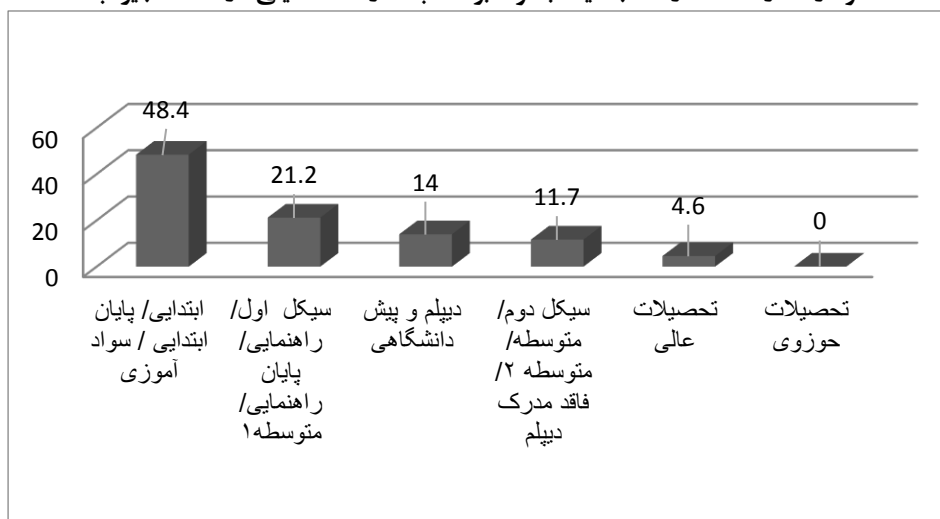
جدول شماره ۳-۲: جمعیت باسواد بر حسب مدرک تحصیلی در محله انجیراب بر حسب جنس

سطح تحصیلات	تعداد			درصد		
	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
ابتدایی / پایان ابتدایی / سواد آموزی	۱۳۶	۶۶۸	۶۹۷	۴۸	۵۱/۱	۴۸/۹

۴۶/۶	۵۳/۴	۲ ۲۱	۲۷۹	۳۲۰	۵۹۹	سیکل اول / راهنمایی / پایان راهنمایی / متوسطه ۱
۴۵/۸	۵۴/۲	۷ ۱۱	۱۵۱	۱۷۹	۳۳۰	سیکل دوم / متوسطه / متوسطه ۲ / فاقد مدرک دیپلم
۳۹/۸	۶۰/۲	۱۰ ۱۴	۱۵۷	۲۳۷	۳۹۴	دیپلم و پیش دانشگاهی
۵۶/۲	۴۳/۸	۴/۶	۷۳	۵۷	۱۳۰	تحصیلات عالی
۰	۱۰۰	۰/۰	۰	۱	۱	تحصیلات حوزوی
.	.	۱۰۰	۲	۲	۴	سایر دوره‌های تحصیلی، دوره تحصیلی نامشخص و اظهار نشده
۴۸/۱	۵۱/۹	۱۰۰	۱۳۵۹	۱۴۶۴	۲۸۲ ۳	جمع کل

مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیگری و توسعه محلی، ۱۳۹۸

نمودار شماره ۳-۱: درصد جمعیت باسواد بر حسب مدرک تحصیلی در محله انجیراب



مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیگری و توسعه محلی، ۱۳۹۸

۳-۱-۴- جمعیت در حال تحصیل و بازماندگان از تحصیل

در حقیقت شاخص پوشش تحصیلی (یا نرخ اشتغال به تحصیل) به ما نشان می‌دهد که چه درصدی از جمعیت به امکانات تحصیلی دسترسی دارند. در اینجا با توجه به داده‌های در دسترس از شاخص پوشش تحصیلی ظاهری^۱ استفاده شده است، این شاخص برای دوره تحصیلی معین از تقسیم تعداد دانش‌آموزانی که در آن دوره تحصیلی ثبت نام کرده‌اند و در سن متعارف همان دوره تحصیلی قرار دارند، بر تعداد جمعیت لازم‌التعلیم یا در سن متعارف همان دوره

۱-observed education coverage

تحصیلی، ضربدر ۱۰۰ به دست می‌آید اما نکته حائز اهمیت آن است که به دلیل وجود تکرار پایه و وقفه تحصیلی ممکن است از عدد ۱۰۰ نیز تجاوز کند. در عین حال درصد اشتغال به تحصیل واقعی همواره عددی کمتر یا مساوی ۱۰۰ خواهد بود. تفاضل درصد اشتغال به تحصیل واقعی از ۱۰۰ نشان می‌دهد که چه درصدی از جمعیت در سن متعارف یک دوره تحصیلی از تحصیل در مدارس محرومند یا به دلیل داشتن سابقه تکرار پایه، وقفه تحصیلی یا جهش تحصیلی در دوره دیگری تحصیل می‌کنند. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۳-۳ تعداد جمعیت ۱۸-۶ ساله محله انجیراب ۸۶۵ نفر می‌باشد که ۴۴۱ نفر از آنها مرد و ۴۲۴ نفر زن هستند. همچنین بر اساس یافته‌های جدول ۳-۴، تعداد افراد بی‌سواد ۱۴-۶ سال در مجموع ۱۴۰ نفر می‌باشد که تعداد ۶۴ نفر از آنان مرد و ۷۶ نفر زن می‌باشند. از این روی، نرخ بازماندگی از تحصیل محله انجیراب (۱۷/۹) درصد می‌باشد؛ نرخ بازماندگی از تحصیل مردان (۱۵/۹) درصد همچنین نرخ بازماندگی از تحصیل زنان نیز (۲۰/۲) درصد محاسبه شده است. علاوه بر این نرخ بازماندگی از تحصیل شهرستان (۱/۰۳) و استان (۲/۳۵) درصد می‌باشد. نرخ بازماندگی از تحصیل در محله انجیراب ۱۷ برابر نرخ شهرستان و ۸ برابر نرخ استان می‌باشد. نبود مدرسه ابتدایی در محله انجیراب، دشواری در رفت و آمد دانش‌آموزان، مشکلات معیشتی و ... سبب گشته تا با آمار ویران‌کننده‌ای در زمینه آموزش کودکان مواجه شویم.

جدول شماره ۳-۳: توزیع فراوانی و درصد وضعیت باسوادی بر حسب اشتغال به تحصیل در محله انجیراب

باسواد ۶ تا ۱۸ ساله			جنس	شرح
فارغ از تحصیل	در حال تحصیل	جمع کل		
۶۸	۷۹۷	۸۶۵	کل	تعداد
۲۷	۴۱۴	۴۴۱	مرد	
۴۱	۳۸۳	۴۲۴	زن	
۷/۹	۹۲/۱	۱۰۰	کل	درصد
۶/۱	۹۳/۹	۵۱/۸	مرد	
۹/۷	۹۰/۳	۴۹/۲	زن	

مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیلگری و توسعه محلی، ۱۳۹۸

جدول شماره ۳-۴: توزیع فراوانی و درصدی بازمانده از تحصیل (۶ تا ۱۴ سال) در محله انجیراب و مقایسه با شهرستان و استان

گلستان

نرخ بازماندگی از تحصیل استان در سال ۱۳۹۵	نرخ بازماندگی از تحصیل شهرستان در سال ۱۳۹۵	نرخ بازماندگی از تحصیل محله های انجیراب در سال ۱۳۹۸	تعداد بی سوادان جمعیت ۶ تا ۱۴ سال	جمعیت ۶ تا ۱۴ سال محله	تعداد
۲/۳۵	۱/۰۳	۱۷/۹	۱۴۰	۷۸۰	کل
۱/۷۹	۴/۱۸	۱۵/۹	۶۴	۴۰۳	مرد

زن	۳۷۷	۷۶	۲۰/۲	۲/۰۹	۲/۳۵
----	-----	----	------	------	------

مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیگری و توسعه محلی، ۱۳۹۸

نمودار شماره ۳-۲: نسبت بازماندگان از تحصیل بر حسب جنسیت در محله انجیراب در سال ۱۳۹۸



مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیگری و توسعه محلی، ۱۳۹۸

۵- دلایل عدم ادامه تحصیل در محله انجیراب

مهم ترین عامل مؤثر بر عدم ادامه تحصیل دانش آموزان در مناطق حاشیه نشین و کمتر برخوردار شهری یا روستایی در کشور، عامل اقتصادی- اجتماعی است. محرومیت خانواده و فقر اقتصادی آنها، فقر اجتماعی، تفاوت و نابرابری در برخورداری از امکانات، جمعیت بالای خانوار، کار کردن کودکان و نوجوانان و... از جمله مهم ترین علل عدم ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان در مناطق حاشیه نشین شهری است. بر اساس یافته های جدول شماره ۳-۵، دلایل عدم ادامه تحصیل جمعیت ۱۸-۶ سال بدین شرح می باشد: در محله انجیراب تعداد ۱۶/۹ درصد در مجموع علت عدم ادامه تحصیل خود را دسترسی مشکل به مدرسه، ۳۶/۰ درصد ناتوانی در پرداخت هزینه ها، ۸/۰ درصد شاغل بودن جهت کمک به خانواده، ۳۶/۰ درصد عدم علاقه به تحصیل و ۳/۱ درصد معلولیت جسمی اظهار نموده اند.

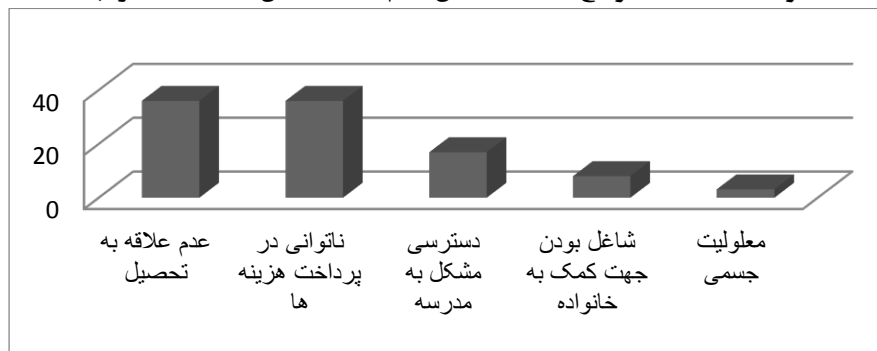
جدول شماره ۳-۵: توزیع فراوانی و درصدی دلایل عدم ادامه تحصیل (۱۸ تا ۶ سال) در محله انجیراب

کل	سایر و اظهار نشده	معلولیت جسمی	عدم علاقه به تحصیل	شاغل بودن جهت کمک به خانواده	ناتوانی در پرداخت هزینه ها	دسترسى مشکل به مدرسه	شرح	
							کل	تعداد
۳۱۴	۰	۱۰	۱۱۳	۲۵	۱۱۳	۵۳	کل	
۱۴۴	۰	۶	۵۸	۱۴	۴۸	۱۸	مرد	
۱۷۰	۰	۴	۵۵	۱۱	۶۵	۳۵	زن	

۱۰۰	۰	۳/۱	۳۶/۰	۸/۰	۳۶/۰	۱۶/۹	کل	درصد
۴۶/۰	۰	۶۰/۰	۵۱/۳	۵۶/۰	۴۲/۵	۳۴/۰	مرد	
۵۴/۰	۰	۴۰/۰	۴۸/۷	۴۴/۰	۵۷/۵	۶۶/۰	زن	

مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیگری و توسعه محلی، ۱۳۹۸

نمودار شماره ۳-۳: توزیع درصدی دلایل عدم ادامه تحصیل در محله انجیراب



مأخذ: محاسبه شده بر اساس تمام شماری دفتر تسهیگری و توسعه محلی، ۱۳۹۸

مهم ترین مسئله ها و چالش ها در مورد بازماندگان از تحصیل و عدم امکان تحصیل یا ادامه تحصیل آنان در محله انجیراب عبارتند از:

۱- ناتوانی خانواده ها در پرداخت هزینه های تحصیل دانش آموزان؛

۲- شاغل بودن دانش آموزان جهت کمک به معیشت خانواده؛

۳- عدم علاقه به تحصیل از سوی دانش آموزان (خصوصاً دانش آموزان پسر).

در این بخش دسترسی به فضاهای آموزشی، تجهیزات فضاهای آموزشی و تاثیر این موارد بر روند بازماندگی از تحصیل در این محله کم برخوردار شهری پرداخته می شود.

۶- دسترسی به فضاهای آموزشی

در محله انجیراب دو مرکز آموزشی در مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه اول وجود دارد. دبستان شهید مفتاح در سال ۱۳۷۴ تأسیس شده است. در این دبستان تعداد ۳۰۰ دانش آموز پسر و ۲۶۰ دانش آموز دختر را در دو شیفت صبح و ظهر مشغول به تحصیل هستند. کیفیت بنای این مدرسه، با توجه به اینکه ۲۵ سال از ساخت آن می گذرد، در وضعیت مطلوبی

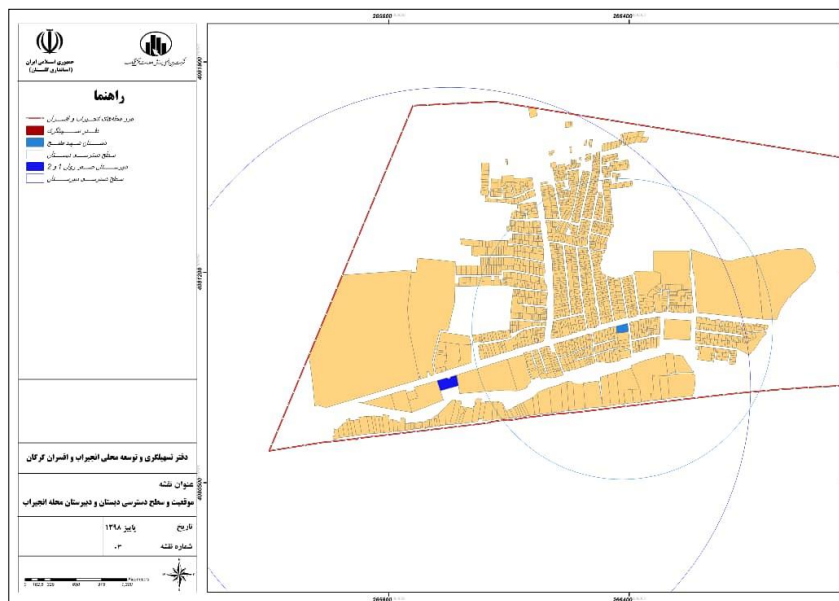
قرار ندارد. به همین خاطر در نیمه دوم سال جاری اقدام به تخریب و بازسازی این مدرسه از سوی خیرین مدرسه ساز شده است و دانش آموزان آن به شیفت دوم مدرسه خاتم الانبیا واقع در محله افسران انتقال یافته‌اند. اما از آنجا که این مدرسه در مرکزیت محله انجیراب قرار گرفته، میزان دسترسی اکثریت اهالی، به جز اهالی ساکن در انتهای خیابان انجیراب ۲۰ به راحتی و سهولت امکان پذیر است. اکنون و پس از گذشت ۳ سال از زمان تخریب، مدرسه در مراحل ابتدایی ساخت قرار دارد و این عامل مهمی در تشدید بازماندگی از تحصیل دانش آموزان دارد.

دبیرستان حاج صفر روان نیز در سال ۱۳۸۲ به همت خیر محلی (آقای صفر روان) تأسیس شده است. این دبیرستان در دو شیفت صبح و ظهر به دانش آموزان دختر و پسر محله انجیراب خدمت رسانی می‌کند.

مهم ترین مسئله‌ها و چالش‌ها در مورد دسترسی به فضاهای آموزشی عبارتند از:

- ۱- به لحاظ دسترسی دبستان محله انجیراب با توجه به موقعیت مکانی آن برای دانش آموزانی که در پیرامون ضلع شمالی محله زندگی می‌کنند دشوار می‌باشد.
- ۲- قرارگیری دبستان و دبیرستان در مجاورت خیابان اصلی انجیراب - افسران به دلیل تردد وسایل نقلیه ممکن است سلامت دانش آموزان را به مخاطره اندازد؛ در رابطه با محله افسران نیز به دلیل عدم وجود دبیرستان در این محله دانش آموزان به ناچار به مدارس مرکز شهر یا محله‌های پیرامون با دسترسی دورتر مراجعه می‌نمایند.
- ۳- دسترسی به دبیرستان صفر روان ۱ و ۲ نیز برای دانش آموزان به دلیل قرارگیری در منتهی الیه ضلع جنوب غربی محله واقع شده است دشوار می‌باشد.
- ۴- عدم توانایی پرداخت هزینه ایاب و ذهاب دانش آموزان از سوی خانواده‌ها؛
- ۵- طولانی بودن مسافت منزل تا مدرسه؛

نقشه شماره ۳-۱: موقعیت و سطح دسترسی مدارس دبستان و دبیرستان متوسط اول و دوم به تفکیک دخترانه و پسرانه محله انجیراب در سال ۱۳۹۸



۷- تجهیزات فضاهای آموزشی

آموزش و پرورش سازنده و شکل دهنده افکار و توانهای جامعه است، می تواند با رعایت کردن قواعد و استانداردهای لازم در زمینه فضا و تجهیزات در مقاطع مختلف تحصیلی با همکاری سایر سازمان های مربوطه چون سازمان برنامه و بودجه، سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در بالا بردن سطح علمی و آگاهی دانش آموزان، پرورش روحیه آنان و دست یافتن به آموزش و پرورش کارا تر عمل نماید.

در محله انجیراب دو مرکز آموزشی در مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه اول وجود دارد. دبستان شهید مفتاح به دلیل نامناسب بودن کیفیت بنای مدرسه، نداشتن تجهیزات و امکانات کافی و مطلوب متناسب با تعداد دانش آموزان آن، تخریب شد. در دبیرستان حاج صفر روان نیز شاهد کمبود فضای آموزشی، تجهیزات و خدمات آموزشی، فرهنگی و ورزشی هستیم.

مهم ترین مسئله ها و چالش ها در مورد تجهیزات آموزشی عبارتند از:

- ۱- کمبود فضای آموزشی؛
- ۲- نامطلوب بودن فضای آموزشی؛
- ۳- کمبود امکانات آموزشی، فرهنگی و ورزشی برای دانش آموزان؛
- ۴- کیفیت پایین خدمات آموزشی از سوی دبیران.

جمع‌بندی

در این بخش؛ جمع‌بندی، تبیین مسئله‌ها و دارایی‌های مرتبط با حوزه آموزش را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر اساس اصل سی قانون اساسی دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد؛ اما این موضوع دارای چالش فراوان است. نظارت ضعیف و خلأهای قانونی و مقتضیات زمان موجب عدم اجرای صحیح قوانین آموزش و پرورش رایگان در ایران می‌باشد.

تفاوت در مناطق مختلف، علل خانوادگی، اجتماعی و فقر که برخی از آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم با مقوله عدم تحقق زمینه مناسب برای تحصیل بازماندگان از تحصیل در پیوند هستند. نبود مکانیزم رسمی و منسجم، مشکلات خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی، عدم همکاری سایر نهادهای زیربنا و مشکلات جدی تر برای افراد فاقد اسناد هویتی و همچنین اتباع مهاجر که برخی از آنها به طور مستقیم و غیرمستقیم با مقوله بی توجهی به فراگیرسازی و گسترش مداوم آموزش در پیوند هستند. عوامل خانوادگی از جمله اعتیاد والدین، طلاق و جدایی والدین، پایین بودن سطح سواد اولیاء، کثرت تعداد اعضای خانواده و... در بازماندگی از تحصیل دانش آموزان بسیار موثر است. محیط زندگی دانش آموزان اعم از روستایی و شهری با توجه به عواملی از جمله نابرابری توزیع امکانات آموزشی و رفاهی در مناطق مختلف، یکسان بودن معیارهای آموزش و سنجش در نقاط مختلف، عدم وجود امکانات و تسهیلات و فرصت های برابر آموزشی در مناطق دورافتاده و دوری محل تحصیل از منزل دانش آموزان، نقش تعیین کننده ای در بازماندگی از تحصیل دانش آموزان دارد. لازمه یک نظام آموزشی مطلوب که تأمین کننده آینده روشن برای جامعه باشد، برخورداری یکایک افراد آن جامعه از تعلیم و تربیت است به طوری که تمامی استعدادها بالقوه شکوفا شده و پرورش یابند. این در حالی است که آموزش و پرورش گسترده ترین دستگاه فرهنگی کشور است که به طور مستقیم جمعیتی بزرگ را تحت پوشش قرار داده است. ضمن آنکه این مجموعه ابزارهای لازم برای تنظیم و یا کنترل آسیب‌های اجتماعی را دارد و می‌تواند از ساعاتی که دانش آموزان در مدرسه حضور دارند استفاده کرده و برای مقابله با آسیب‌ها برنامه‌ریزی کند.

بر اساس مطالب فوق، مشاهدات صورت گرفته در طی چند سال حضور در محله و گفت‌وگوهای متعدد با مردم و معتمدان که گاهی تبدیل به مصاحبه‌هایی عمیق و ساختارنیافته شده است، می‌توان مسئله‌های کلیدی و دارایی‌های قابل استفاده برای بهبود وضعیت حوزه آموزش در محله را به شرح زیر دانست:

۱- کیفیت نامطلوب و ناکافی بودن فضاهای آموزشی،

۲- عدم بهره‌مندی مدارس انجیراب از امکانات و خدمات آموزشی، فرهنگی و ورزشی نسبت به سایر مدارس شهر؛

در جدول زیر مهم‌ترین مسئله‌ها و دارایی‌های مرتبط با مقوله بازماندگی از تحصیل قابل مشاهده است.

جدول شماره ۴-۱: مسئله‌ها و دارایی‌های مرتبط با آموزش در محله انجیراب

<ul style="list-style-type: none"> ▪ توان پایین مالی خانواده‌ها در پرداخت هزینه‌های تحصیلی دانش‌آموزان ▪ اعتیاد والد یا والدین دانش‌آموزان ▪ اشتغال به کار کودکان ▪ تعداد بالای دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل (دانش‌آموزان مقطع ابتدایی - دختران و پسران) 	گره‌ها	مسئله‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - فقر مالی و فرهنگی خانواده‌ها و عدم ادامه تحصیل دانش‌آموزان - وجود چندین فرزند در یک خانواده و توانایی پایین پرداخت هزینه‌های تحصیل آنان از سوی والدین - اشتغال به کار فرزندان پسر در خانواده - ازدواج دختران در سنین پایین 	روابط	
<p>۱- شناسایی، علت‌یابی و پیگیری جهت ادامه تحصیل دانش‌آموزان به کمک مؤسسات خیریه، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط با توجه به مسئله هر یک از دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها، با همکاری افراد اثرگذار محلی (هیئت امانا، شورایار، جوانان تحصیل‌کرده و ...)</p>	افراد	
<ul style="list-style-type: none"> ۱- آموزش و پرورش ۲- کمیته امداد ۳- بهزیستی ۴- استانداری و فرمانداری ۵- اداره امور اتباع ۶- دانشگاه پیام نور 	نهادها	
<ul style="list-style-type: none"> ۱- پایگاه بسیج محله ۲- شورای محله ۳- اعضای هیئت امانا 	انجمن‌ها	دارایی‌ها
<ul style="list-style-type: none"> ۱- مسجد ۲- فاطمیه ۳- دفتر سازمان تبلیغات اسلامی ۴- پایگاه بهزیستی 	فیزیکی	
<ul style="list-style-type: none"> ۱- هم‌پوندی در قومیت‌های محلی و تلاش جهت ارتقا سطح کیفی جامعه محلی ۲- تلاشگری افراد اثرگذار محلی جهت رفع موانع تحصیلی 	روابط اجتماعی	
<ul style="list-style-type: none"> ۱- برگزاری مکتب‌های خانگی با توجه به سنت‌های دیرینه ۲- استفاده از سنت‌ها در مناسبت‌ها همچون روز معلم 	فرهنگی	
<ul style="list-style-type: none"> ۱- انجمن اولیا در مدارس سطح محله (خانم بزی - خانم شیخ خمر - خانم یگانه و...) ۲- خیر مدرسه ساز (آقای روان) 	اقتصادی و مالی	

منابع

- آقازاده، احمد. (۱۳۸۸). مسائل آموزش و پرورش ایران، انتشارات سمت، تهران.
- بررسی مساله بازماندگی از تحصیل و بی‌سوادی در نظام آموزش و پرورش ایران (۱۳۹۷). معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی مجلس شورای اسلامی.
- تورانی، حیدر، عارف نژاد، سمیه (۱۳۹۶). بررسی موانع و شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳۲.
- حسینی نسب، داوود و علی اقدم، اصغر (۱۳۷۵). فرهنگ تعلیم و تربیت، چاپ احرار، تبریز.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، کتابخانه فروردین، تهران.
- کازرونی، سیدمصطفی، اسفندیاری بیات، حیدر (۱۳۹۶). حق بر آموزش در اسناد ملی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و اسناد یونسکو، فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی، پیاپی ۵.
- گولد، جولوس و کولب، ویلیام (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، انتشارات مازیار، تهران.

